

# مراقبت بی‌مزد مادر بزرگ‌های آند از نوه‌ها

مراقبت مادر بزرگ‌ها در بولیوی و کلمبیا اغلب به‌عنوان فداکاری عاشقانه تصویر می‌شود، اما در واقع نوعی کار طاقت‌فرساست که بدون دستمزد و حمایت، فرصت‌های زندگی مستقل را از زنان سالخورده می‌گیرد

حمایت نهادی نیست، بلکه انتظارات اجتماعی است که می‌گوید زنان سالمند همیشه باید آماده مراقبت باشند. «اینکه فرزندانست در خانه زندگی می‌کنند به این معنا نیست که می‌توانند تو را مجبور کنند بمانی و از آن‌ها مراقبت کنی. باید یاد بگیری نه بگویی. کمک، بله؛ اما مسئولیت صددرصد، نه.»

## نابرابری‌های انباشته

«الویر سوارس»، ۶۹ ساله از کلمبیا، نمونه‌ای است از اینکه چگونه بار مراقبت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. او از جوانی خود را وقف خانه کرده بود. هرچند مهارت خیاطی داشت، همسرش اجازه کار کند. «با همان پولی که او می‌داد سر می‌کردم و پس‌انداز می‌کردم. این گونه بود که پولم را مدیریت می‌کردم.» پس از مرگ همسرش و دوره‌ای بیکاری، با فروشنده‌گی در یک دانشگاه گذران زندگی کرد. اکنون در دوران سالمندی، دوباره از نوه‌هایش مراقبت می‌کند در حالی که یکی از دخترانش بیرون از خانه کار می‌کند. «هیچ صحبتی در کار نبود. مادر یک خانه زندگی می‌کردیم، آن‌ها سر کار می‌رفتند و من می‌ماندم با بچه‌ها.» او آشپزی می‌کند، به تکالیف بچه‌ها کمک می‌کند و خانه را مرتب نگه می‌دارد. «وقتی بچه‌های خودم را داشتم، کسی به من کمک نکرد. همه چیز را تنهایی گذراندم و حالا دوباره مجبور شده‌ام از نو شروع کنم. این انصاف نیست.» او رویای راه‌اندازی کارگاهی کوچک برای دوخت لباس کودک دارد، اما توان خرید دستگاه ندارد.

مانند بسیاری از زنان، زندگی کاری او در خانه متمرکز بود؛ کاری غیررسمی و بی‌مزد. اکنون نیز همچنان از دیگران مراقبت می‌کند، بی‌آنکه مستمری داشته باشد یا مورد قدردانی قرار گیرد. کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین و کارائیب این وضعیت را «نابرابری‌های انباشته» می‌نامد: در غیاب درآمد شرافتمندانه یا سیاست حمایتی، بسیاری از زنان در پیروی ناگزیرند به حسن نیت خانواده یا ابتکارهای محلی تکیه کنند.

## نیاز فوری به نظام‌های جامع مراقبتی

«باربوس» می‌گوید: «در بولیوی قانون اساسی خوبی داریم و قانونی که از سالمندان حمایت می‌کند، اما متأسفانه این قوانین کارایی ندارند.» سخنان او شکاف بزرگ منطقه را نشان می‌دهد: قوانین وجود دارند، اما اجرای واقعی آن‌ها به دلیل کمبود بودجه، نبود هماهنگی و فقدان اراده سیاسی متوقف می‌شود. نتیجه، سیاست‌های تکه‌تکه‌ای است که در نهایت بار مراقبت را به خانواده‌ها و گذار می‌کند و نابرابری‌های جنسیتی را عمیق‌تر می‌سازد. او خواستار توسعه نظام‌های عمومی جامع با رویکردی تقاطعی است که کار مراقبتی را به رسمیت بشناسد، از عادلانه‌بازتوزیع کند و با آموزش، حمایت اجتماعی و خدمات تخصصی‌ها از آن پشتیبانی نماید. او می‌افزاید: «همچنین حیاتی است درباره این قوانین آگاهی‌رسانی شود تا مردم بدانند و بتوانند از حقوق خود استفاده کنند.»

هرچند در این منطقه پیشرفت‌هایی مانند مستمري‌های غیرمبتنی بر پرداخت حق بیمه، دسترسی به خدمات درمانی و برنامه‌های حمایتی برای سالمندان حاصل شده، اما این‌ها همچنان ناکافی‌اند. بسیاری از این سیاست‌ها واقعیت‌های پیچیده‌ای را که گروه‌هایی مانند مادر بزرگ‌ها با آن مواجه‌اند پوشش نمی‌دهند. افزون بر این، هنوز درباره میزان دخالت دولت بحث وجود دارد: آیا باید تنها بر حمایت مالی از خانواده‌ها تمرکز کند یا فراتر برود؟ اتحادیه‌های ملی مانند شبکه زنان کارگر و سندیکالیست بولیوی، همراه با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آمریکای قاره‌ای و کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری خواستار آن هستند که خدمات عمومی مراقبتی برای همه در اولویت قرار گیرد.

در شهرهایی فراتر از منطقه آند، مانند مکزیکوسیتی، بحث‌ها درباره حمایت مالی از پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هایی که نقش مراقبتی دارند پیشرفت‌هایی داشته‌است. اما همان‌طور که «باربوس» هشدار می‌دهد، این اقدامات بیشتر مسکن هستند و ساختارهای تولیدکننده نابرابری جنسیتی و سنی در کار مراقبتی را تغییر نمی‌دهند. در همین حال، هر صبح در هزاران خانه آندی، مادر بزرگ‌ها صبحانه آماده می‌کنند، بچه‌ها را به مدرسه می‌برند، هنگام بیمه‌سازی از آن‌ها مراقبت می‌کنند و در انجام تکالیف کمکشان می‌کنند. کارهای از خود گذشته آن‌ها همان چسبی است که زندگی خانوادگی را کنار هم نگه می‌دارد.



▲ مادر بزرگ‌ها با مراقبت بی‌مزد نوه‌ها، خانواده‌ها را سرپا نگه می‌دارند و خود فرسوده می‌شوند

کلمبیا، نمونه‌ای گویاست. او در طول ۳۳ سال گذشته از نوه‌ای با ناتوانی ذهنی و صرع مراقبت کرده‌است. پسرش بیش از یک دهه پیش درگذشت و مادر کودک نیز از کودکی او غایب بوده‌است. «گنتپسیون» بی‌آنکه انتخابی داشته باشد، دوباره مادر شد. او می‌گوید: «تمام روز با او هستم. باید حمامش کنم، اصلاحش کنم، ناخن‌هایش را بگیرم. نمی‌توانم او را تنها بگذارم چون زمین می‌خورد. بارها هر دوی ما روی زمین افتاده‌ایم. دیگر توان ندارم، اما همچنان ادامه می‌دهم.» تنها درآمدش مستمري بازماندگان است که با آن اجاره، خوراک و قبوض را می‌پردازد. گاهی بستگان کمک می‌کنند، اما بار اصلی بر دوش اوست. بدنش نشانه‌های دهه‌ها کار نادیده گرفته شده را در خود دارد: درد مزمن، کاهش وزن و محدودیت حرکتی. «قبلاً ۷۸ کیلو بودم، حالا ۶۳ شدم. کاملاً از پا افتاده‌ام، جسمی و روحی. دلم می‌شکند وقتی می‌دانم اگر نباشم، کسی برای مراقبت از او نخواهد بود.»

«گنتپسیون» تنها نیست. در بسیاری از خانواده‌های آندی، مادر بزرگ‌ها مسئولیت‌هایی را به دوش می‌کشند که باید میان دیگران تقسیم شود. نبود سیاست‌های مراقبتی حساس به جنسیت نشان می‌دهد که بار مراقبت تقریباً به‌طور کامل بر عهده خانواده‌ها و درون آن‌ها نیز بر دوش زنان است. بدون تقسیم مسئولیت در سطح دولت و جامعه، مادر بزرگ‌ها به بهای سلامت و رفاه خودشان همچنان زندگی دیگران را حفظ خواهند کرد.

## بازنشستگی و بار انتظارات اجتماعی

«نورکا» با لحنی طعنه‌آمیز می‌گوید: «برای هر مشکلی یک راه‌حل وجود دارد: مادر بزرگ‌ها.» بسیاری از زنانی که به سن بازنشستگی نزدیک می‌شوند، همچنان درگیر مسئولیت‌های خانوادگی‌اند و از استراحت واقعی محروم می‌مانند. از همکارانم می‌شنوم که می‌گویند نمی‌توانم بازنشسته شوم چون دارم به پسرم کمک می‌کنم خانه بسازد یا به خاطر نوه‌ام. حتی اگر بازنشسته شوند، بازهم از آن‌ها انتظار مراقبت می‌رود، «چون مامان وقت آزاد دارد.» «امپراتریس»، ۷۲ ساله از کیتو در اکوادور، بازنشسته و مادر بزرگ چهار نوه است. او خود را مستقل می‌داند و توان تصمیم‌گیری درباره زندگی‌اش را دارد، هرچند می‌پذیرد بسیاری از مادر بزرگ‌ها چنین فرصتی ندارند. او می‌گوید: «مادر مرحله‌ای از زندگی هستیم که آینده دیگر بی‌پایان نیست. باید از نیرویی که داریم نهایت استفاده را ببریم و از هر زنجیری‌ها شوم. باید یاد بگیریم به فرزندانمان نه بگوییم.» به باور او، مشکل تنها کمبود

مراقبت فقط همدمی باغذا دادن نیست؛ مسئولیت‌های آن جسمی، عاطفی و مالی است. با این حال، روایت غالب همچنان آن‌ها را تنها در قالب «مادر بزرگ‌های مهربان» می‌بیند؛ بی‌آنکه کاری ضروری، پیچیده و بی‌مزدشان به رسمیت شناخته شود. همان‌طور که نویسنده و کنشگر برجسته «سیلویا فدریچی» گفته‌است «آنچه عشق می‌نامند، کاری‌بی‌مزد است.» این جمله زمانی معنای کامل می‌یابد که ببینیم چگونه زنان با بدن‌های سالخورده و منابع محدود، زندگی خانواده‌ها و جوامعشان را حفظ می‌کنند، در حالی که نیازهای خودشان برآورده نمی‌شود. «انیدا باربوس»، ۴۹ ساله و عضو شبکه زنان کارگر و سندیکالیست بولیوی (RMTSB)، درباره بار انباشته این وضعیت هشدار می‌دهد: «این زنجیره‌ای از نابرابری‌هاست که فقط سنگین‌تر می‌شود... و وقتی به سن پیری می‌رسیم، بی‌توجهی به زنان آشکارتر می‌شود. ما هنوز در حال مراقبت از فرزندان و نوه‌ها هستیم، در حالی که باید روی سلامت و رفاه خودمان تمرکز کنیم. به جای آن، در وضعیت دائمی فقر زمانی زندگی می‌کنیم.»

حتی برای کسانی که خود کار مراقبتی را انجام می‌دهند، به رسمیت شناختن آن دشوار بوده‌است. «نورکا ایوونه فلورس»، ۵۳ ساله و عضو همین شبکه، می‌گوید: «در ابتدا می‌پرسیدیم چطور می‌شود مراقبت از مادرت را کار دانست؟ چطور می‌شود نگهداری از خانواده را کار نامید؟ یا بزرگ کردن نوه‌ها را؟ سخت‌ترین بخش ماجرا پذیرفتن این بود که بله، این کار است.»

او ادامه می‌دهد: «مسئله این نیست که بابت مراقبت از نوه‌هایمان پول بگیریم. مسئله این است که بفهمیم مراقبت همان چیزی است که زندگی را تداوم می‌بخشد و اگر چنین است، باید بپذیریم که مراقبت، کار است و مسئولیتی مشترک برای همه ما.»

## وقتی پیری به جای آسایش، مسئولیت می‌آورد

در منطقه آند، یعنی رشته کوهی که تمامی نیمه پائینی قاره آمریکا را پوشانده است، تقاضا برای مراقبت بسیار بیشتر از ظرفیت دولت‌ها برای تأمین آن است. براساس گزارش چشم‌انداز اجتماعی ۲۰۲۴ کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین و کارائیب (ECLAC)، زنان سالمند به‌جای آنکه با کرامت پیر شوند، مجبور می‌شوند بار مراقبت و بزرگ کردن کودکان را بر دوش بگیرند؛ مسئولیت‌هایی که دولت‌ها نه خود به عهده می‌گیرند و نه جبرانی برای آن فراهم می‌کنند.

«گنتپسیون مورا»، مادر بزرگی ۸۰ ساله از بوگوتا در

در کشورهای منطقه کوه‌های آند، مادر بزرگ‌ها نقش بسیار مهمی در مراقبت روزانه از نوه‌های خود ایفا می‌کنند. با این حال، کار آن‌ها به ندرت آن گونه که شایسته است مورد قدردانی قرار می‌گیرد؛ کاری که نه تنها خانواده‌ها را سرپا نگه می‌دارد بلکه به تداوم بافت اجتماعی نیز کمک می‌کند. در حالی که عشق، فداکاری و از خودگذشتگی شان اغلب ستوده می‌شود، یک حقیقت مهم معمولاً نادیده گرفته می‌شود: کار آن‌ها نیز «کار» است؛ کاری که نیازمند زمان، انرژی، مسئولیت و منابع است.

در بولیوی، اکوادور، کلمبیا و دیگر کشورهای منطقه آند، بسیاری از مادر بزرگ‌ها مسئولیت بزرگ کردن نوه‌هایشان را بر عهده می‌گیرند؛ اغلب در شرایط کار ناپایدار، طرد اجتماعی یا به دلیل مهاجرت فرزندان‌شان. آنچه ممکن است حرکتی خودجوش و از سر محبت به نظر برسد، در واقع راهبردی برای بقاست که به طور نامتناهسی بر دوش زنان سنگینی می‌کند. در نبود سیاست‌های عمومی برای حمایت از کودکان و سالمندان، این زنان با دو بار سنگین مواجه‌اند: مراقبت از دیگران در دوران پیری، بدون آنکه خودشان از مراقبت برخوردار شوند.

## آنچه عشق می‌نامند، کاری بی‌مزد است

در آمریکای لاتین، کار مراقبتی بدون مزد به شکل چشمگیر بر دوش زنان است. بنابر داده‌های بانک توسعه بین‌آمریکای (IDB)، زنان سه برابر بیش از مردان وقت خود را صرف این کار می‌کنند. هرچند این فعالیت برای رفاه روزمره ضروری است، توزیع نابرابر آن به‌طور جدی دسترسی زنان به آموزش، اشتغال و فرصت‌های رشد فردی را محدود می‌سازد.

این شکاف در شرایط نامانی شغلی و سالخوردگی جمعیت عمیق‌تر می‌شود؛ جایی که مادر بزرگ‌ها به چهره‌هایی خاموش اما حیاتی بدل می‌شوند. «لوز مارلی آرباس» از بنیاد «کودکان ناصره» در شهر ایبا که کلمبیا می‌گوید: «ما شاهد هستیم بسیاری از مادر بزرگ‌ها سرپرستی نوه‌هایشان را بر عهده می‌گیرند، چون مادرانشان در مشاغل غیررسمی کار می‌کنند، غایب هستند یا شرایط دشواری مانند زندان رویه‌رو می‌شوند. در نهایت، این مادر بزرگ‌ها هستند که بار مسئولیت را به دوش می‌کشند.»

او توضیح می‌دهد: «برخی از این زنان نیرومندترند، اما بسیاری بیمار، ضعیف و وابسته به عصا هستند.»



حمیدرضا علی‌نیا  
روزنامه نگار

## در غیاب سیاست‌های عمومی، مادر بزرگ‌ها در آمریکای لاتین ستون پنهان خانواده‌ها شده‌اند؛ زنانی که در سالخوردگی همچنان بار مراقبت از نسل‌های بعدی را بر دوش می‌کشند. آن‌ها بدون مزد، با بدن‌های فرسوده و منابع محدود، زندگی را سرپا می‌دارند، اما خود اغلب در سکوت به حاشیه رانده می‌شوند

خبر

## چین و طلوع ارز جهانی جدید

چین با سرعت در حال ارتقای جایگاه یوان به عنوان یک ارز جهانی است و از ضعف‌های درک شده دلار آمریکا بهره می‌برد. دلار از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون حدود ۷ درصد کاهش یافته و بدترین شروع سال خود از ۱۹۷۳ را تجربه کرده‌است. سیاست‌های تجاری نامنظم آمریکا، کسری‌های مالی گسترده و تهدید به استقلال فدرال رزرو این روند را تشدید کرده‌اند. در مقابل، یوان به بالاترین سطح خود از نوامبر ۲۰۲۴ رسیده و توجه سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌هایی که به دنبال جایگزینی برای دلار هستند، جلب کرده‌است.

تلاش چین برای بین‌المللی کردن یوان تازه نیست. برنامه‌هایی که از سال ۲۰۰۹ آغاز شد و در ۲۰۱۵ به دلیل کاهش ارزش ارز و خروج سرمایه ناکام ماند، تجربه‌های تلخی را به همراه داشت. این بار، رهبران چین رویکردی محتاطانه دارند: آن‌ها می‌خواهند استفاده جهانی از یوان را ترویج کنند، بدون آنکه کنترل بر جریان سرمایه را از دست بدهند. هدف اصلی این است که صادرکنندگان چینی در برابر نوسانات دلار و تحریم‌های مالی آمریکا محافظت شوند.

با وجود سهم یک‌پنجم اقتصاد جهانی، یوان هنوز تنها حدود ۴ درصد پرداخت‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، در حالی که دلار بیش از نیمی از این بازار را در اختیار دارد. ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی جهان نیز تنها ۲ درصد از یوان تشکیل شده و در مقابل دلار ۵۸ درصد است. بخش عمده این فاصله ناشی از محدودیت‌های چین بر جریان سرمایه است. با این حال، پیشرفت‌ها چشمگیر است: سهم یوان در پرداخت‌های بین‌المللی از سال ۲۰۲۲ دو برابر شده و بیش از ۳۰ درصد تجارت کالا و خدمات چین با یوان انجام می‌شود. در مقایسه با ۱۴ درصد در سال ۲۰۱۹.

برای افزایش گردش یوان، بانک‌های بزرگ ملزم شده‌اند حداقل ۴۰ درصد وام‌های تسهیل تجارت را به یوان اختصاص دهند. پس از تحریم روسیه در ۲۰۲۲، بانک‌های چینی تقریباً تمام وام‌های خارجی جدید را به یوان ارائه کردند و موجودی بدهی‌های یوانی را سه برابر کردند. همچنین، خطوط سوآپ ارزی به ارزش ۴.۵ تریلیون یوان به ۳۲ بانک مرکزی اختصاص یافته و شبکه‌ای مشابه صندوق بین‌المللی پول ایجاد شده است. زیرساخت مالی چین نیز تقویت شده است. سیستم CIPS، مشابه سوئیفت، با عضویت بیش از ۱۷۰۰ بانک در سراسر جهان، در ۲۰۲۴ شاهد رشد ۴۳ درصدی حجم تراکنش‌ها بود. شبکه ارز دیجیتال MBRIDGE، که با همکاری بانک‌های مرکزی دیگر ساخته شده، تراکنش‌های خارج از سیستم دلار را ممکن می‌کند و حتی برای پرداخت سهام‌داران خارجی شرکت‌ها در مناطق تحریم شده مورد استفاده قرار گرفته است. برای جهانی شدن یوان، چین دسترسی خارجی‌ها به بازارهای داخلی را گسترش داده است. قراردادهای مالی قابل معامله برای خارجی‌ها بیش از دو برابر شده و سهمیه سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یافته است. نرخ بهره تورم منفی، هزینه‌های استقراض در بازارهای برون‌مرزی را به کمترین سطح از سال ۲۰۱۳ رسانده است. شرکت‌های خارجی نیز حجم بی‌سابقه‌ای از اوراق قرضه یوانی صادر می‌کنند.